

بررسی تطبیقی نقش قراردادهای ورزش در حقوق ایران و کامن لا

حسین جاگرانی^۱*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۵

مجید نوروزی خولکی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

امیررضا قنடاق ساز^۳

محمد وریا خورده بینان^۴

دکتر حمید بذرپاچ^۵

چکیده

حقوق قراردادهای، نقشی اساسی در هماهنگی و برنامه ریزی فعالیت‌های ورزشی ایفا می‌کند. این موضوع می‌تواند در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف متفاوت باشد. معمولاً ورزشکاران و مدیران ورزشی طرف قرارداد فعالیت‌های ورزشی خود را با قراردادهایی تنظیم می‌کنند که با امضای آن‌ها حقوق و تعهداتی هم متوجه بازیکنان و هم متوجه ورزشگاه‌ها باشد. در ایران که بیشتر تلفیقی از سیستم حقوقی رومی - ژرمنی می‌باشد بحث قراردادهای ورزشی هنوز جایگاه حقوقی ممتاز خود را نیافته‌اند و در مواردی با توجه به ایرادات موجود در آن قراردادهای، خساراتی متوجه فدراسیون‌های ورزشی کشور شده است. اما در حقوق عرفی^۶ این موضوع تقریباً حل شده می‌باشد و رویه قضایی این نظام حقوقی این موضوع را به خوبی منعکس کرده است. لذا با در نظر داشتن این موارد به بررسی نقش قراردادهای ورزش با نگاهی تطبیقی در حقوق ایران و حقوق عرفی پرداخته ایم. این مقاله به بررسی زمان و چگونگی اعمال قانون قرارداد در یک زمینه ورزشی می‌پردازد و اینکه چگونه این موارد ممکن است هر از گاهی نیاز به تعدیل یا اصلاح داشته باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ماهیت قراردادهای ورزش و تأثیرات آن بر ورزش در حقوق ایران بیشتر منبعث از قانون مدنی می‌باشد و در چارچوب قراردادهای خصوصی می‌توان آن را قلمداد نمود. ولی در نظام حقوق عرفی به خصوص در کشورهایی مانند انگلیس و استرالیا بر اساس قوانین و مقررات کار به انعقاد قراردادهای ورزشی می‌پردازند و از این نظر تأثیرات متفاوتی بر ورزش و ساختار فدراسیون‌های ورزشی دارند.

کلمات کلیدی:

قرارداد، ورزش، نظام حقوقی ایران، سیستم حقوقی کامن لا.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران (نویسنده مسوول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، سمنان

^۳ کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی

^۴ اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای

^۵ استادیار، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد، ایران

^۶ Cammon law

در حقوق و دادگاه های ورزشی، هیچ بدنه و ساختار منحصر به فردی از حقوق ورزش وجود ندارد. در عوض، درست مانند بسیاری از حوزه های دیگر حقوقی تلاش های بشری، بسیاری از اصول استاندارد حقوقی در زمینه های مختلف با زمینه ورزشی که در آن باید مورد توجه قرار گیرند، تطبیق داده شده و اعمال می شوند. حقوق جرایم، اصول حقوق اداری و عمومی، قواعد ویژه ای که در رابطه با حقوق بین الملل خصوصی ایجاد شده است، دکترین حقوق عمومی محدود کردن تجارت، حقوق جزا و قوانینی مانند حقوق اعمال تجارت ۱۹۷۴ و حقوق شرکت ها ۲۰۰۱. بسیاری از قوانین در ایران همه به طور مستقیم یا به طور مشابه در بسیاری از مناقشات ورزشی نقش دارند (Mark, ۲۰۰۶).

اما تردیدی وجود ندارد که حقوق قراردادهای سنگ بنای «حقوق ورزش» است و در بیشتر زمینه هایی که رابطه بین ورزش و قانون وجود دارد، از اهمیت اولیه برخوردار است. چه ورزش در سطح نخبگان انجام شود و چه در سطحی پایین تر، همیشه قراردادی در جایی نقش داشته و معمولاً قابل اجراست.

علاوه بر این، در حالی که اغلب قراردادهای ماهیت محلی یا داخلی (که غیر بین المللی است) دارند، قراردادهای ورزشی به طور فزاینده ای شامل یک جنبه فراملی می شوند. نمونه پارادایم، تأثیر مقررات جهانی ضد دوپینگ در سال ۲۰۰۹ (WADC^۷) در اکثر ورزش های بزرگ در استرالیا و در نتیجه، در رژیم های قراردادی موجود در رابطه با آن ورزش ها است که به طور فاحش تر به عنوان نوعی از آن توصیف شده است. در حقیقت حقوق بین الملل ورزشی در حوزه ضد دوپینگ، صرفاً یک قرارداد است، اگرچه برای بسیاری از ورزشکاران و سازمان های ورزشی اهمیت زیادی دارد (David, ۲۰۰۸).

محدودیت های این مقاله اجازه نمی دهد حتی یک بحث گذرا، در مورد نقش حقوق قراردادهای در همه کاربردهای بالقوه آن در حوزه ورزش داشته باشیم و بنابراین، بر سه موضوع به شرح زیر تمرکز خواهد کرد:

- ۱) وضعیتی که در آن قراردادهای در زمینه ورزش ممکن است غیر الزام آور تلقی شوند و در نتیجه هیچ حق یا تعهدی ایجاد نکنند.
- ۲) مبانی که در هر اختلاف ورزشی یک قرارداد الزام آور وجود داشته و اعمال می گردد مثل تفسیر قرارداد، تشکیل قرارداد و پیش نویس ضعیف قراردادی.
- ۳) اعمال حقوق قراردادهای در امور انضباطی از جمله جرایم دوپینگ.

در واقع حقوق قراردادهای و به خصوص قراردادهای ورزشی نقشی در این موارد می تواند داشته باشد که در هر دو سیستم حقوقی می تواند آثار متعددی به بار بیاورد. ما در حقیقت چگونگی این نقش و نتایج آن را تحلیل می کنیم و نشان می دهیم که این قراردادهای با توجه به ضعف هایی که ریشه در سیستم های حقوقی متعددی دارند، می توانند نقش ها و آثار متعددی بر قراردادهای داشته باشند، البته در این میان ضعف نظام های حقوقی در این مورد نمی تواند بی تاثیر باشد.

^۷ Der welt Anti-Doping code

ورزش، در سطح نخبگان، اکنون یک تجارت بزرگ است. بنابراین جای تعجب نیست که در بیشتر شرایط، قراردادهایی که در رابطه با فعالیت‌های ورزشی منعقد می‌شوند، از نظر دادگاه‌ها قانوناً الزام‌آور و قابل اجرا تلقی می‌شوند. اما همیشه اینطور نبوده و هنوز هم نیست. در مورد ورزش‌های غیرحرفه‌ای، به ویژه در مواردی که هیئت حاکمه یک سازمان داوطلبانه غیرشرکتی است، دادگاه‌ها تمایل نشان داده‌اند که طرفین قصد نکرده‌اند که "قراردادهای" بین آنها از نظر قانونی قابل اجرا باشد. مرجع اصلی این موضوع در استرالیا همچنان پرونده کامرون علیه هوگان دادگاه عالی است. اگر بخواهیم در کامن لا نمونه بارزی از این موضوع را تشریح نماییم، می‌توان پرونده نامبرده را مورد توجه قرار دهیم. دادگاه چنین نظر داده است:

... دلایلی وجود دارد که این بیانیه را توجیه می‌کند که، در نظام کامن لا و همچنین منطبق بر عدالت، هیچ نقض قابل اجرای قراردادی همراه با اعلامیه‌ای که قانونی نیست، در اخراج یکی از اعضای یک انجمن داوطلبانه یا با شکست اعضای آن انجام نشده است. یکی از دلایلی که باید به میزان زیادی در ایجاد نتیجه کمک کند، ویژگی کلی انجمن‌های داوطلبانه ورزشی است که احتمالاً بدون مالکیت و بدون دادن هیچ‌گونه حقوق مدنی از ماهیت مالکیتی به اعضای خود تشکیل می‌شوند. آنها اکثراً افرادی هستند که برای پیشبرد اهداف یا علایق مشترکی ترکیب شده‌اند که دارای خصوصیات اجتماعی، ورزشی، سیاسی، علمی، مذهبی، هنری یا بشردوستانه هستند. چنین انجمن‌هایی بر اساس توافق ایجاد می‌شوند، مگر اینکه نشانه‌های مثبت واضحی مبنی بر ایجاد روابط حقوقی بین اعضا وجود داشته باشد و در نتیجه قوانین اتخاذ شده برای حاکمیت آنها به عنوان یک قرارداد قابل اجرا تلقی نخواهد شد (Fortunato, ۲۰۱۳, P ۲۴).

اگرچه این پرونده یعنی کامرون علیه هوگان^۸ یک پرونده مربوط به یک سازمان سیاسی بود، اما همان اصول در مورد سازمان‌های ورزشی نیز اعمال شده بود. مصداق این رویکرد، در تصمیمات کاکس جی^۹ (قاضی پرونده) در پرونده اسمیت علیه انجمن هاکی استرالیایی جنوبی^{۱۰} است. مانند بسیاری از موارد، این مورد نیز شامل تعلیق توسط یک دادگاه انضباطی ورزشی بود، اما اصول بیان شده با قدرت برابر در سایر اشکال اختلافات ورزشی اعمال می‌شود. شاکی یک بازیکن هاکی با مهارت بالا بود که در سطح ملی بازی کرده بود. او ظاهراً یک داور را مورد آزار و اذیت قرار داد و در نتیجه توسط انجمن هاکی استرالیا برای ۱۳ جلسه مسابقه محروم شده بود. در زمان تعلیق، او صرفاً به صورت آماتور بازی می‌کرد و هیچ پاداشی برای حضورش دریافت نمی‌کرد، اگرچه در سال ۱۹۸۷ برای بازی کردن دستمزد دریافت کرده بود. در این شرایط، کاکس جی دریافت که شاکی هیچ حق قانونی برای طرح دعوی ندارد، زیرا او به هیچ‌یک از استثنائات بیان شده در پرونده کامرون علیه هوگان عمل

^۸. Cameron v. Hogan

^۹. Cox J

^{۱۰}. Smith v South Australian Hockey Association Inc

نکرده است. به عبارت دیگر، او متوجه شد که هیچ نشانه مثبت واضحی وجود ندارد که نشان دهد قرار است قراردادی قانونی بین آقای اسمیت و انجمن هاکی وجود داشته باشد (Cheshire & Fifoot's, ۲۰۰۸, pp ۲۲۳-۲۲۵).

قاضی پرونده با اعمال این اصول در حقایق پیش روی خود دریافت که شاکی حق ندارد دعوی خود را مطرح کند زیرا قصدی برای ایجاد یک قرارداد الزام آور وجود ندارد. به ویژه، او دریافت که شاکی در هیچ یک از استثنائات مرتبط با پرونده کامرون علیه هوگان قرار ندارد زیرا:

الف) در زمان تعلیق، او برای بازی هاکی دستمزد دریافت نمی کرد.

ب) هیچ مدرک قابل قبول دیگری مبنی بر متحمل شدن زیان مالی قابل توجه دیگری به دلیل تعلیق وی وجود نداشته باشد.

ج) دادگاه راضی نبود که اعتبار بازیکن در اثر تعلیق لطمه ببیند (Hall, ۲۰۱۰, P ۷).

با این حال، در زمان‌های اخیر، دادگاه‌ها آمادگی بیشتری نسبت به گذشته برای یافتن مبنای قانونی برای اجرای قوانین موجود در چنین انجمن‌هایی به‌ویژه در رابطه با نهادهای بزرگ و با نفوذ پیدا کرده‌اند. امروزه به نظر می‌رسد که برای متقاعد کردن دادگاه مبنی بر اینکه پرونده در یکی از استثنای مشخص شده در کامرون علیه هوگان قرار می‌گیرد که در غیر این صورت قابل رسیدگی است، به نسبت کمتری نیاز است. (Healey, ۲۰۱۰) بدین ترتیب:

الف) در صورتی که یک انتخاب منجر به پرداخت مبلغی به ورزشکار یا بازیکن (هرچند مبلغی ناچیز) در مورد بازی ای شود که برای آن انتخاب شده است، دادگاه احتمالاً متوجه می‌شود که طرفین قصد داشتند قرارداد بین آنها از نظر قانونی الزام آور باشد.^{۱۱}

ب) به همین ترتیب، در مواردی که سازمان ورزشی مورد نظر انحصاری در کنترل حق ورزشکاران یا شرکت کنندگان برای رقابت یا شرکت در ورزش خاص داشته باشد و می‌تواند مجازات‌های انضباطی را برای افرادی که به دنبال رقابت یا شرکت در ورزش هستند اعمال کند که در نتیجه احتمالاً دادگاه متوجه خواهد شد که طرفین قصد داشته‌اند که قرارداد بین آنها از نظر قانونی قابل اجرا و الزام آور باشد.

گرچه یک بازیکن ثبت نام شده هیچ حق مالکیت یا علاقه ای به لیگ نداشته باشد، حق او برای بازی یا شرکت در فوتبال یا هر ورزشی به عنوان یک آماتور، منحصرأ توسط لیگ خواهد بود و این موضوعی است که در بیشتر کشورهای کامن لایی به خصوص استرالیا و بریتانیا مطرح می‌باشد. (Kolah, ۲۰۱۵, P ۶۴) در حالی که هیچ ارزش مالی نمی‌توان برای آن حق قائل شد، با این وجود برای کسانی که آن بازی را انجام می‌دهند، ارزش قابل توجهی دارد.

^{۱۱} برای مثال بنگرید به:

Shepherd v South Australian Amateur Football League Inc (۱۹۸۷) ۴۴ SASR ۵۷۹ at ۵۸۲; Jackson v Western Australian Basketball Federation Inc (۱۹۹۰) ۲۱ ALD ۲۸۳ at ۲۸۵

ج) همانطور که مانس ال جی^{۱۲} در بازی مودال علیه فدراسیون دو و میدانی بریتانیا^{۱۳} ابراز داشت که این موضوع که هیچ کس نمی تواند چنین قصدی داشته باشد (یعنی ایجاد یک رابطه قانونی قابل اجرا) در رابطه با صحنه ورزشی مدرن غیر واقعی به نظر می رسد که صرف نظر از مسئله بازی غیرحرفه ای، جنبه هایی دارد که به طور قابل ملاحظه ای بر حرفه، معیشت و رفاه شرکت کنندگان تأثیر می گذارد (McClelland v Burning, ۲۰۰۲, p ۷۸۷).

د) در مواردی که سازمان ورزشی مورد نظر ثبت شده است (به عنوان یک شرکت یا تحت قوانین انجمن های ثبت شده در حوزه های قضایی مختلف استرالیا، انگلیس، کانادا و ...) و ورزشکار ناامید یکی از اعضای هیئت ثبت شده باشد، دادگاه ممکن است به راحتی متوجه شود که ورزشکار دارای جایگاه قانونی است تا علیه شرکت یا انجمن اقدام کرده و از معتبر بودن هر تصمیم ادعایی که مغایر با قوانین شرکت یا انجمن است، بدون نقض تصمیم در مورد کامرون علیه هوگان، جلوگیری کند (Dixon v Esperance, ۲۰۰۲, p ۱۱۳).

ه) پیشنهاد شده است که حتی در مواردی که قرارداد لازم الاجرا وجود نداشته باشد، یک طرف متضرر ممکن است حق داشته باشد که در مورد اعتبار قواعد یک نهادی که به ضرر او استفاده شده است، اظهاریه بفرستد. در انتها، همیشه این موضوع که آیا آنها قصد ایجاد روابط حقوقی را داشته اند یا خیر، به اعضاء حق مالکیت کافی می دهند تا به اعضایی که برای درخواست اظهاریه حکم دارند، پردازند (McClelland v Burning, ۲۰۰۲, p ۴۶).

طرفین به روشی که قصد دارند و در نظر دارند متعهد شوند به موجب قرارداد متعهد می شوند. این سوالی است که باید در مورد حقایق هر مورد پاسخ داد. علاوه بر این، صرف نظر از این که آیا دادگاه تشخیص می دهد که قرار است قصد مربوطه طرفین برای متعهد شدن به ترتیبات توافقی که در دادگاهها منعقد کرده اند، تشخیص داده شود یا نه، اختیار مداخله را حفظ می کند، حتی در صورتی که مداخله از طرف محکمه برای تحقق عدالت ضروری تلقی شود (Australian Football League v Carlton Football Club, ۱۹۹۸, pp ۵۶۸-۵۶۹).

با مروری بر گذشته در می یابیم که دادگاهها تمایلی به اعمال اختیار برای بررسی تصمیمات ارگان های ورزشی ندارند. بنابراین دادگاهها باید محتاطانه عمل کنند تا اجازه دهند هر تعهد ضمنی عادلانه باشد و به عنوان وسیله ای برای ارجاع به دادگاهها برای بررسی تصمیمات صادقانه نهادهایی که صلاحیت قضاوت در مورد فعالیت های ورزشی و سایر فعالیت ها را اعمال می کنند، مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین، به طور خلاصه، در حالی که بسیاری از قراردادهای منعقد شده در رابطه با فعالیت های ورزشی در سیستم کامن لا مانند قراردادهای مربوط به حقوق رسانهها، ترتیبات حمایت مالی، ارائه خدمات توسط بازیکنان یا ورزشکاران یا قراردادهای مربوط به اجاره مکانها یا زمینها بدون شک از نظر قانونی الزام آور و قابل اجرا در دادگاههای کشور هستند. برخی دیگر از ترتیبات توافقی بین طرفین با زمینه ورزشی ممکن است چنین مورد توجه قرار نگیرد. این به ویژه در موردی است که در مورد

^{۱۲} . Mance LJ

^{۱۳} . Modahl v British Athletic Federation

تمهیدات مربوط به ورزش واقعا آماتور یا درگیر کردن انجمن های کوچک و داوطلبانه صحبت می شود. اما حتی در چنین مواردی، مشروط به اعمال اختیارات اختیاری توسط دادگاه، مبنای اولیه برای اجرای هر گونه حقوق، قرارداد یا ترتیبات توافقی است که بین طرفین حاصل شده است (Sullivan, ۲۰۱۰, p ۹).

البته توان بازکنان نیز در این مورد باید مدنظر قرار گیرد. برخی بازیکنان آن صلاحیت و آن توانایی که برای ورزش حرفه ای وجود دارد را ندارند بنابراین در مواردی می توان قرارداد فیما بین را کان لم یکن تلقی نمود. برای مثال حقوق انگلیس این موضوع را با حکم بطلان همراه ساخته است. بر اساس قوانین قراردادی و همچنین رویه قضایی کشور نامبرده چنانچه ایفای تعهدات قراردادی با موانعی همراه باشد، بطلان قرارداد احراز می شود مگر اینکه شرایطی خاص با توجه به اوضاع و احوال وجود داشته باشد. برای مثال در پرونده فولوود علیه والتر^{۱۴} به دلیل اینکه مدت محرومیت بازیکن در مقایسه با مدت قرارداد او، مانعی دائمی برای انجام تعهدات بازیکن بشمار می آمد، قرارداد را باطل اعلام نمود (پدفیلد، ۱۳۷۹، ص ۹۸).

نظام حقوقی ایران

در ایران قراردادهایی که در این زمینه یعنی در ورزش منعقد می شوند، همراه با چالش هایی بوده است. اینکه بتوان استنباط نمود که آیا تعهداتی در قرارداد وجود دارد یا نه و یا در ورزش های غیر حرفه ای می توان قراردادها را الزام آور دانست یا خیر. دلیل این امر نبود آشنایی کافی و تسلط کافی بر قوانین حوزه ورزش و قراردادهای خاص ورزشی می باشد که در واقع زمانی که با عرف بین المللی ورزشی قیاس می شوند، وضع بغرنج تر می شود.

می توان این قراردادها را، قراردادهای موقت و مدت دار دانست. ولی بعضی حقوقدانان معتقدند که این قراردادها شبیه قراردادهای اجاره انسان هستند. ولی کشش قراردادهای ورزشی بیشتر به سمت حاکمیت قوانین خاص است. از طرفی دیگر می توان به نوعی شباهت این نوع از قراردادها را به قراردادهای کار تفسیر نمود. در واقع چون در این نوع قراردادها از شخص، کار یا تخصصی خواسته می شود، و شخص مقابل یعنی بازیکن به اجرای آن کار می پردازد. لذا از این نظر می توان قانون کار را حاکم دانست ولی در مورد حل و فصل اختلاف نمی توان قانون کار را مجری دانست. همچنین بعضی حمایت هایی از کارگر مطابق قانون کار می شود که شامل حال بازیکنان نمی شود. مانند حداکثر ساعات کار، حداقل دستمزد، بازنشستگی و ... در قراردادهای ورزشی که در روابط بازیکنان و باشگاهها اعمال نمی شود (خلیلی، ۱۳۹۲، ص ۴۵). در ایران امکان ندارد که ورزشی حرفه ای در چارچوب قراردادی دارای بار مالی نبوده و تعهداتی برای اشخاص به وجود نیارد، فارغ از اینکه مدیران پرداخت ها را انجام دهند یا نه یا مشکلات مالی وجود داشته باشد یا خیر. ولی در صورت نقض این موارد، معمولا سوده های کلانی در میان وجود دارد اما با این حال تعهدات قراردادی نقض می شوند که در جای خود در مورد اختلافات

^{۱۴} . Fulwood V. WALTERS

قراردادی سخن خواهیم گفت. در این مورد حتی بحران های مالی به وجود آمده باعث تبعات بین المللی و تحمیل جریمه هایی شده است که در آرای کمیته های انضباطی و یا دادگاه داوری ورزش می توان مشاهده نمود.

در مورد این مسئله در حقوق ایران باید اذعان نمود که اغلب کوتاهی های صورت گرفته در مواردی که قراردادی عملاً وجود ندارد، به همین دلیل است که قوانین فدراسیون های ورزشی یا آیین نامه های نقل و انتقالات و انضباطی و داخلی باشگاه را باید مورد توجه قرارداد. حتی بازیکنان در مواردی باید این قوانین را فرا بگیرند. حتی برای آگاه نمودن بازیکنان در این مورد بند ششم ماده ۴ قرارداد لیگ برتر فوتبال ایران در این مورد تعهداتی را برای باشگاه ها در نظر گرفته است، همانطور که قرارداد لیگ برتر فوتبال انگلیس باشگاه را ملزم نموده است که کلیه قوانین و مقررات و مصوبات و تغییرات حاصله باید به اطلاع بازیکنان برسد (رحیمی و نصیری، ۱۳۹۷، صص ۱۵۹-۱۶۰).

در این مورد می توان نقش قراردادهای ورزشی را در ورزش و سیر روند آن مشاهده نمود. در واقع این قراردادها هستند که مسیر حرکت ورزش به خصوص ورزش حرفه ای را مشخص می نمایند و بدون این قراردادها نمی توان ورزش حرفه ای را متصور شد. حتی کسانی که تعهداتی در چارچوب این قراردادها دارند، موظف اند تمامی افعال و اعمال خود را مطابق با این قراردادها تنظیم نمایند. لذا تاثیراتی که قراردادهای در این حوزه دارد، غیرقابل انکار است.

در حقوق ایران باید توجه داشت که قواعد کلی تعهدات طبق قانون مدنی در مورد همه قراردادهای از جمله قرارداد ورزشی مجری می باشد. بنابراین چنانچه یکی از شرایط اساسی قرارداد و شرایط صحت قراردادهای وجود نداشته باشد، آن قرارداد باطل خواهد بود چه در مورد ورزش حرفه ای و چه در مورد ورزش آماتوری. در این مورد می توان این شرایط را با مواد ۲۳۲ و ۴۷۰ قانون مدنی^{۱۵} تطبیق داده و حکم بطلان قرارداد مزبور را ثابت نمود. (امامی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۱)

۲) مبانی قراردادی در قراردادهای ورزشی و تاثیرات آن

درست همانطور که اصول عادی قرارداد در مورد اجاره نامه های کشورهای کامن لا اعمال می شود، در مورد قراردادهایی با رنگ و بوی ورزشی نیز به همان شکل در این سیستم حقوقی اعمال می شود. با این حال، عوامل خاصی در رابطه با برخی از انواع قراردادهای منعقد شده در رابطه با فعالیت های ورزشی وجود دارد که به این معنی است که برخی از اصول سنتی و گاه افراطی حقوق قراردادهای کاربرد چندانی ندارند (مانند اصول سنتی مربوط به نحوه تشکیل قرارداد) در حالی که برخی دیگر ممکن است نیاز به اصلاح یا انطباق با توجه به زمینه ورزشی خاص (مانند اصول ساختاری قراردادی) داشته باشد (Lucien et al, ۲۰۱۱, P ۹۱).

^{۱۵} ماده ۲۳۲ بیان می کند: "شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست: ۱- شرطی که انجام آن غیر مقدور باشد؛ ماده ۴۷۰ نیز چنین می گوید: "در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین مستأجره شرط است. بنابراین چنانچه، بازیکن از آغاز قرارداد توانایی انجام تعهدات را نداشته باشد، اعم از اینکه باشگاه عالم بر این موضوع باشد یا جاهل بر آن، قرارداد ورزشی باطل است"

۲-۱- تشکیل قرارداد

۲-۱-۱- کامن لا

رویکرد سنتی برای تشکیل قرارداد مبتنی بر مفاهیم یافتن "پیشنهاد"، "پذیرش" و "ملاحظه" می باشد. همچنین قراردادهای بازاریابی را می توان به اندازه کافی با رویکرد سنتی تطبیق داد. این قراردادها معمولاً قراردادهایی هستند که از یک سو شامل ورزشکاران و از سوی دیگر سازمان ها و مدیران ورزشی (اعم از داخلی یا بین المللی) در رابطه با موضوعاتی مانند اختلافات انتخابی یا رسیدگی های انضباطی است. معمولاً در چنین شرایطی، قرارداد مربوطه در چندین سند به هم پیوسته که توسط طرفین مختلف منعقد شده است، یافت می شود، اما ممکن است سندی باشد که یک قرارداد چند جانبه را تشکیل دهد (Patrick & Thornton, ۲۰۱۱, p ۳۴).

یک بازیکن اتحادیه راگی می ممکن است بخواهد در یک مسابقه راگی محلی بازی کند. او ممکن است عضو یک باشگاه شود. در چنین شرایطی، او ممکن است فرم عضویت، فرم ثبت نام یا هر شکل دیگری از تأیید را امضا کند که به موجب آن متعهد می شود که نه تنها از قوانین باشگاه خاصی که به آن ملحق می شود، بلکه «قوانین» مادر و یا ایالتی را نیز رعایت کند (Cheshire & Fifoot's, ۲۰۰۸, p ۱۱۶).

لذا در کامن لا تشکیل قرارداد لزوماً به مفهوم سنتی آن در ورزش نمی باشد. امکان دارد اصول سنتی هم در این مورد دخالت نمایند و کاملاً بدیهی است ولی تشکیل قرارداد در ورزش در سیستم کامن لا بیشتر الحاقی می باشد و شرایط از قبل معین شده اند و بازیکن فقط به قرارداد ملحق می شود. این شکل از قراردادها تأثیرات نوینی را بر ورزش گزارده اند و شکل قراردادهای ورزشی با این رویکرد تغییر کرده است. ولی در ایران وضع اندکی متفاوت می باشد که در بخش بعدی به آن می پردازیم.

۲-۱-۲- تشکیل قرارداد ورزشی در ایران

همانطور که در قسمت پیشین اشاره کردیم، قراردادهای ورزشی در ایران با کامن لا متفاوت می باشد. در ایران در بسیاری از قراردادهای ورزشی قراردادهای از قبل تهیه نمی شوند بلکه بیشتر به صورت تفاهم و گفتگو انجام می پذیرد و سپس نتایج آن به صورت قرارداد ظاهر می شود. البته این موضوع به صورت عرفی در ایران انجام می پذیرد ولی چنانچه به اصول قرارداد در قانون مدنی بنگریم قطعاً این مسائل به عنوان اصول سنتی در بستن قراردادهای ورزشی نقش دارند.

ولی نکته ای که در ایران وجود دارد و می توان به نوعی نظارت بر قراردادهای ورزشی نامید، معمولاً قراردادهایی که با مربیان و بازیکنان انعقاد می شود و بالطبع تعهدات مالی را برای طرفین به وجود می آورد، ابتدا دفتر حقوقی وزارت ورزش و جوانان باید تاییدیه دهد تا این قرارداد رسمیت یابد، امری که در کامن لا به خصوص در بریتانیا وجود ندارد.

در حالی که در ایران قراردادهای ورزشی زیر نظر دولت و نهادهای دولتی هستند، در کشورهای کامن لا این موضوع خصوصی و بین طرفین می باشد. برای مثال در ایران وزارت ورزش با فراخواندن فدراسیون های مختلف ورزشی و کمیته هایی نظیر کمیته ملی المپیک قراردادهای مختلفی را برای حوزه های مختلف گوناگون ورزشی در نظر میگیرد و کلیه قراردادها را بر آن اساس به رسمیت می شناسد (آقایی نیا، ۱۳۸۶). شاید این موضوع با مبحث ابتدایی بحث در تناقض باشد که گفته شد قراردادهای به صورت پیش نویس نمی باشند و اینطور هم می باشد چراکه نامبرده فقط به تدوین اصول و چارچوب ها می پردازد و کلیه قراردادها به چنین صورتی منعقد می شوند.

امر نظارت که از آن یاد شد، در حوزه های مالی بسیار بیشتر می باشد. برای مثال وزارت ورزش سقفی را برای قراردادها در نظر میگیرد و انعقاد بالاتر از سقف معین شده، ممنوع می باشد و برای این امر نیز ضمانت اجرایی مقرر نموده اند که در صورت احراز تخلف، جریمه هایی در نظر گرفته شده است.

مواردی که گفته شد، اساس تشکیل قراردادهای ورزشی را به صورت خاص تشکیل می دهند و مسائل عمومی و سنتی بر اساس قانون مدنی بدیهی است که برقرار می باشد. بر این اساس نمی توان گفت که قراردادهای ورزشی در ایران خصوصی هستند. این موضوع تاثیرات مختلفی بر ورزش ایران گذاشته اند و این تاثیرات نتایج خود را در برخی ورزش ها به صورت های مختلف نشان داده است.

در مورد تشکیل این قراردادها باید اذعان نمود که اصل بر حاکمیت اراده می باشد و قراردادهای ورزشی که معمولاً با عنوان خصوصی تلقی می شوند، به صورت توافقی می باشد. توافقی بودن در ابتدا و آغاز جهت انعقاد مشهود می باشد ولی همانطور که اذعان گردید می بایست قوانین و مقررات فدراسیون ها نیز لحاظ گردد، یعنی دخالت بخش دولتی. یعنی نمی توان گفت که حاکمیت اراده در این نوع قراردادهای خصوصی به صورت مطلق برقرار می باشد. برخی نیز این موضوع را ارتباطی با دخالت دولت ندانسته و آن را نظارت دولت می خوانند. بیشتر این قراردادها در ورزش های مخلف باید طبق آیین نامه های مصوب فدراسیون های ورزشی باشد.

۲-۲- تفسیر قراردادهای ورزشی

بسیاری از مناقشات ورزشی حول تفسیر صحیح قرارداد مورد نظر می باشد. این امر به ویژه در منازعات و رسیدگی های انضباطی مشهود است، اما فرآیند تفسیر نیز در تعیین الزام آور بودن یا نبودن قرارداد ورزشی مهم است.

قراردادهای مفاد قراردادی یا رژیم های مرتبط در زمینه ورزشی می تواند از توافقی های تجاری منعقد شده بین سازمان های پیچیده و بزرگ مانند سازمان های مرتبط با حقوق رسانه ای یا میزبانی یک رویداد ورزشی بزرگ توسط یک شهر خاص (مثلاً قراردادهای میزبانی در رابطه با بازی های المپیک) به قوانین و آیین نامه های سازمان های داوطلبانه کوچک که اغلب بدون کمک و کلا

تهیه یا تنظیم می شوند. علاوه بر این، رژیم‌های قراردادی موجود ممکن است صریحاً یا بر حسب دلالت ضروری، رژیم‌های قراردادی را در بر گیرند (Pacific Carriers Limited v. BNP, ۲۰۰۴, p ۴۲۱).

با توجه به این تنوع، تعجب آور خواهد بود که در رابطه با هر ساختار قراردادی بدون تعدیل یا اصلاح اعمال شود. همانطور که در زیر بحث خواهد شد، در برخی شرایط قراردادی، برخی از تعدیل یا اصلاح اصول عمومی پذیرفته شده قرارداد در رابطه با قراردادهای ورزشی ضروری است. با این حال، لازم است ابتدا به طور خلاصه اصول اصلی ساختار قراردادی را که در مورد تمام قراردادهای مکتوب در کشورهای کامن لا اعمال می شود، بیان کنیم.

به قراردادهای ورزشی باید عینی نگریست، نه ذهنی. بنابراین، آنچه اهمیت دارد این است که هر یک از طرفین با گفتار و رفتار یک فرد معقول را در جایگاه دیگری به چه چیزی سوق می دهد. یعنی از زبانی که طرفین توافق خود را با آن ابراز کرده اند، یک فرد عاقل چه چیزی را درک می کند. معنای شروط یک سند قراردادی با آنچه که یک شخص معقول به معنای آنها را درک می کند تعیین می شود (McDonnell, ۲۰۱۳, p ۴۲).

تعیین اینکه یک شخص معقول شرایط یک قرارداد را به چه معنا تفسیر می کند، معمولاً مستلزم توجه نه تنها به متن، بلکه همچنین در نظر گرفتن شرایط پیرامونی شناخته شده برای طرفین و هدف قرارداد است. بنابراین، تکلیف عبارت است از تفسیر متن قرارداد در چارچوب مجاز آن (Greenwel, ۲۰۱۴, p ۲۳). اهمیت اولیه به متن داده می شود، یعنی زبانی که طرفین توافق خود را با آن بیان کرده اند. متن نه تنها شامل عبارات و شروط خاص قراردادی است، بلکه شامل زبان قرارداد به عنوان یک کل است. اما معنایی که یک شخص عاقل به زبان مورد استفاده طرفین نسبت می دهد ممکن است پس از بررسی شرایط پیرامونی و هدف معامله جابجا شود.

در کامن لا منظور از بیان شرایط پیرامونی شناخته شده برای طرفین، تمام حقایق مرتبط و قابل قبولی است که واقعاً (و متقابلاً) برای طرفین شناخته شده است. این شامل آگاهی و علم و اطلاع نمی شود که طرفین باید داشته باشند. علاوه بر این، قبل از اینکه شواهدی از شرایط اطراف قابل قبول باشد، لازم نیست ابهام در قرارداد وجود داشته باشد. بلکه باید در وهله اول زمینه ای که در آن توافق صورت گرفته است، از جمله شرایط پیرامونی در نظر گرفته شود (Hall, ۲۰۱۰).

ولی باید توجه داشت که هر عقدی به خصوص عقود مرتبط با قراردادهای ورزشی، مقتضای مخصوص به خود که در عقود دیگر دیده نمی شود ابهامات هر قراردادی نیز باید با اقتضای آن تفسیر شود. در نتیجه تفسیر معارض با طبیعت عقد بی اعتبار است. دلیل این امر، این است که اگر متعاقدین، منظور خود را به صراحت بیان نکرده باشند، آن را تابع طبیعت عقد قراردادند. به همین خاطر هم نباید شروط مبهم عقد، طوری تفسیر شود که با تعهدهای اصلی طرفین عقد معارض باشد (براتی، ۱۳۹۸، ص ۵۲).

قراردادهای ورزشی باید در زمان انعقاد تفسیر شود. علاوه بر این، بر خلاف قراردادهای شفاهی، یا قراردادهای تا حدی شفاهی و تا حدی کتبی، تنظیم یک قرارداد کتبی یک مسئله حقوقی است. هر قرارداد ممکن است شامل شرایط استنباط شده یا شرایط

ضمنی علاوه بر شرایط صریح واقعی آن باشد. بنابراین هیچ مشکلی برای اعمال این اصول بدون تغییر اساسی در رابطه با بسیاری از قراردادهای قابل اجرا در حوزه فعالیت های ورزشی مانند قراردادهای تجاری مربوط به حقوق رسانه یا حمایت مالی، قراردادهای ارائه خدمات توسط ورزشکاران، ترتیبات اجاره مکان یا مانند آن وجود ندارد. با این حال، حداقل سه حوزه مشکل ساز وجود دارد که اصولی را شامل می شود که ممکن است نیاز به انطباق قابل توجهی داشته باشد که در یک زمینه ورزشی در نظر گرفته شود:

الف) در رابطه با قوانین یا آیین نامه های یک انجمن ورزشی، به ویژه در مواردی که سند مربوط توسط وکیل تنظیم نشده باشد.

ب) در مورد قراردادها یا مقررات قراردادی که در نظر گرفته شده تا اثر بین المللی داشته باشند، مانند مقررات جهانی ضد دوپینگ که در قوانین یا اساسنامه سازمان های ورزشی داخلی گنجانده شده است.

ج) این دسته با هر یک از دو مورد ذکر شده در رابطه با قراردادهای ورزشی چند جانبه همپوشانی دارد (Piipponen, ۲۰۱۱).

همانطور که پرونده راگوز علیه سولیوان^{۱۶} در سال ۲۰۰۰ نشان می دهد، در بسیاری از ورزش ها که فرصتی برای یک فرد یا تیم برای رقابت در بالاترین سطح بین المللی وجود دارد، قراردادهای مربوطه که ممکن است برای بررسی ایجاد شود (Smith & Stewart, ۲۰۱۰, p ۱۲).

در این شرایط، به کار بردن برخی از اصول قراردادی که مورد بحث قرار گرفته اند، در ظاهر بسیار دشوار است. به ویژه، با توجه به تعداد طرفین، سوابق نامتجانس آنها و عدم ارتباط واقعی آنها با یکدیگر در زمینه تنظیم قرارداد.

به نظر می رسد هیچ موردی در زمینه ورزشی این مشکلات را به صراحت در نظر نگرفته باشد. با این حال، به نظر می رسد که در قراردادهای ورزشی چند جانبه در کامن لا، به ویژه در مواردی که طرفین از یک حوزه قضایی یا کشوری منعقد نشده باشند، می توان گفت که در تفسیر توافق، تنها شرایط پیرامونی (از جمله هدف) وجود دارد (Budzinski, ۲۰۱۱, p ۴۳).

با مطالعه در نظام حقوقی ایران و رویکرد به متون قانونی راجع به قراردادها، به تأثیر عوامل تفسیری همانند عرف، قانون و... پی می بریم، ولی پراکندگی و نبود تمرکز مواد و نیز ذکر مصادیق به جای بیان قاعده از یک سو و از سوی دیگر توجه نداشتن به اصول و قواعد تفسیری پذیرفته شده در نظام های حقوقی مختلف که در حقیقت به رفع موانع در زمینه اجرای قرارداد کمک زیادی می کنند، باعث می گردد تا این تفکر تقویت شود که باید در این زمینه قواعد و اصول تفسیری شکل قواعد عمومی راجع به تفسیر قراردادهای ورزشی منطبق با اصول حاکم بر قراردادها گردآوری شده و گیرد (علوم یزدی و بابازاده، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷).

در ایران گاهی با یک قرارداد ورزشی رو به رو هستیم که نمیدانیم آیا این قرارداد لازم است یا جایز، و یک طرف قرارداد هم مدعی است که قرارداد جایز است. در چنین حالتی به حکم ماده ۲۱۹ قانون مدنی باید اصل لزوم را نسبت به آن قرارداد جاری

^{۱۶}. Raguz v. Sullivan

کرده و آن را لازم بدانیم. لذا در این نوع قراردادها چنانچه لزوم یا جواز آن مورد سوال بود و دلیلی هم برای این موضوع وجود نداشت، بر اساس قاعده اصاله اللزوم می بایست قرارداد را به گونه ای تفسیر نمود که لزوم آن را اثبات نماید و فسخ یکجانبه مشروع نباشد. لذا تفسیرهایی که در مورد قراردادهای ورزشی صورت می گیرد نباید منتهی به فسخ قرار باشد، همانطور که ماده ۲۱۹ قانون مدنی^{۱۷} نیز به آن اذعان دارد (براتی، ۱۳۹۸، صص ۵۴-۵۵).

البته روش دیگری که در تفسیر قراردادهای ورزشی می توان به آن اشاره نمود، تفسیر در پرتو کل قرارداد می باشد. در این نوع تفسیر می بایست یکپارچگی تفسیر مورد توجه قرار گیرد و به عنوان یک واحد کل مورد توجه قرار گیرد

اثری که می توان از این قاعده در تفسیر عنوان داشت این است که هیچ یک از اجزای قرارداد مجمل تلقی نمی شوند زیرا تمام عناصر و بخش های عقد به یکسان مورد توجه افراد قرار گرفته اند اعمال الکلام اولی من اهماله). بنابراین می توان از تمام اجزای موجود در قرارداد در توجیه یا رفع ابهام از سایر بخش ها نیز مند گرفت. به علاوه تفسیری که منجر به ابطال بخشی از قرارداد گردد تنها در صورتی ممکن است که راه حل دیگری برای رفع ابهام از قرارداد وجود نداشته باشد. بر اساس مبنای مورد پذیرش در حقوق ایران، مبنی بر تقدم اراده بطنی الفاظ و عبارات به کار رفته در قرارداد تنها نقش کاشفیت از اراده بطنی را دارند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲)

در ارزیابی اسناد بین المللی مورد مطالعه و تطبیق با حقوق ایران باید گفت رویکرد این نظام ها در مسئله تفسیر قرارداد، تقریباً یکسان است. زیرا مبنای آنها در حقوق قراردادها پذیرش اراده طرفین به عنوان منبع اصلی ایجاد تعهد و عدم ضرورت اعلام و ابلاغ آن به شکلی خاص و در قالبی ویژه است. بنابراین علی رغم وجود برخی اختلاف نظرهای جزئی می توان رویکرد مزبور را در تمام آنها یکسان دانست. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۰۸) لذا چه در کامن لا و چه در حقوق ایران در زمینه تفسیر قراردادهای ورزشی باید اذعان داشت که نقش قراردادهای ورزشی به عنوان یک قرارداد خاص با موضوع خاص تقریباً ناچیز است و در هر دو نظام نمی توان مدعی بود که قراردادهای ورزشی تغییری در نوع تفسیر به وجود آورده اند بلکه طبق اصولعمومی و رویه معمول تفسیر می گردند.

۲-۳- پیش نویس ضعیف قراردادهای ورزشی

ورزش ها، مخصوصاً ورزش های آماتوری، همیشه از نظر مالی مناسب ورزشکاران نیستند. غالباً رژیم های قراردادی مربوطه در رابطه با این گونه ورزش ها توسط افراد غیر متخصص خوش نیت و بدون هیچ گونه صلاحیت رسمی قانونی تهیه و یا تنظیم می شوند. این ویژگی های مربوط به اسناد معمولاً مختصرتر هستند و از زبان انگلیسی ساده تر در کشورهای کامن لا استفاده می کنند. با این حال، این بدان معناست که اغلب در چنین اسنادی عناصری از عدم دقت، عدم قطعیت، ناقص بودن و تناقض درونی وجود دارد (Dietl, ۲۰۰۹).

^{۱۷} . ماده ۲۱۹ قانون مدنی می گوید: «مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.»

با این حال، سازمان‌های ورزشی تنها نهادهایی نیستند که اغلب مهم‌ترین توافق‌ها را به صورت خام و خلاصه ثبت کنند. گاهی اوقات در تجارت نیز چنین است و قوانین مربوط به تنظیم قراردادهای توسط دادگاه‌ها برای مقابله با چنین شرایطی تطبیق داده شده است. در مواردی که قرارداد ضعیف تنظیم شده باشد، دادگاه چنین اسنادی را به طور منصفانه و گسترده تفسیر می‌کند، بدون اینکه در یافتن نقص‌ها بسیار زیرکانه یا ظریف عمل کند. در صورتی که زبان مورد استفاده، حتی الامکان فاقد دقت باشد و به طور معقولی قادر به تفسیری باشد که طرفین تمایل داشته باشند که بر مبنای امور معقول و تجاری، مسائل را پیش بینی کنند، می‌بایست تفسیری مورد توجه قرار گیرد که غیرمحمول یا غیرتجاری نباشد.

جای تعجب نیست که دادگاه‌های کامن لا رویکرد مشابهی را در رابطه با قوانین بدنه‌های ورزشی اتخاذ کرده‌اند. بنابراین، در پرونده *Croatia Soccer Football Club Ltd v. Soccer Australia Limited*، دادگاه متذکر شد که از آنجایی که در مورد باشگاه‌های داخلی یا ارگان‌های ورزشی، قوانین و مقررات آنها با دقت قانونی مشابه قراردادهای تجاری رسمی تدوین نشده است، لذا مهم است که در نظر داشته باشیم که دادگاه احتمالاً رویکردی تساهل‌آمیزتر در مورد وضع قوانین یک سازمان ورزشی، به‌ویژه سازمانی نسبتاً کوچک تر، اتخاذ می‌کند تا در مورد یک قرارداد تجاری که توسط سازمان بزرگ تر و به کمک وکلا تنظیم شده باشد. (Kolah, ۲۰۱۵)

در ایران نیز قراردادهای ورزشی ضعیف کم نیستند. یکی از مهم‌ترین دلایل آن مشاوره حقوقی ضعیف، نبودن متخصص حقوق ورزشی و بعضاً سیاسی کاری در اموراتی مانند انعقاد قرارداد می‌باشد. قراردادها در سه مرحله مذاکره، انعقاد و اجرای قرارداد مورد توجه قرار می‌گیرند که در هر یک از این مراحل حضور متخصصین امور ورزشی در حوزه حقوق امری ضروری می‌باشد. در مرحله مذاکره ملاحظات قانونی در مورد مذاکره کنندگان امری مهم می‌باشد چراکه ظرفیت‌های قانونی در حقوق ایران برای اعطای امتیازهای مختلف و وعده‌های متفاوت چندگان گسترده نمی‌باشد. حتی در مرحله مذاکره چنانچه طرف دیگر قرارداد، خارجی باشد مشاور حقوقی آگاه می‌تواند در مورد پرداخت‌های بین‌المللی و موانع حقوقی آن به خاطر تحریم‌ها مورد توجه قرار گیرد تا بعدها دچار مشکل نشوند. همچنین مشاور حقوقی می‌تواند ادعاهای مقابل و پیشنهادات ورزشی که داده می‌شوند را مورد ارزیابی قرار داده و بر اساس قوانین بین‌المللی مشکلات و امکان یا عدم امکان آن و تحمیل شروط غیرقانونی را گوشزد نماید. (حسینی، ۱۳۸۷)

همچنین در مورد متون قرارداد و تنظیم آنها در مرحله انعقاد نیز وجود مشاور حقوقی می‌تواند متون را به صورتی تنظیم نمایند که بعدها از آن تفسیری به نفع یک طرف و به ضرر طرف دیگر نشود. در واقع استاندارد قرارداد رعایت می‌شود و از تحمیل قراردادی ضعیف جلوگیری می‌شود.

مسائلی مثل موضوع قرارداد، تعهدات هر یک از طرفین، شیوه حل و فصل اختلافات، مدت قرارداد، مبلغ قرارداد، موارد فسخ قرارداد، ضمانت‌اجرای تخلف از تعهدات قراردادی و... برخی از مواردی است که قرارداد استاندارد می‌تواند از بروز آنها جلوگیری نماید. همچنین بار حقوقی که واژگان و عبارات می‌توانند داشته باشند، در متون حقوقی بسیار با اهمیت می‌باشد. برخی عبارات ممکن است دارای بار معنایی متفاوت باشند یا حتی اگر طرف مقابل خارجی باشد، ترجمه این عبارات باید عیناً

منطبق با عبارات زبان مقصد باشد تا بار حقوقی آن برای هر دو طرف روشن باشد. لذا همه این عوامل نشان می دهد که وجود فرد حقوقی برای پرهیز از هر گونه قرارداد ضعیف امری ضروری به نظر می رسد و از بروز اختلافات جلوگیری می نماید. (پالگانه، ۱۳۹۷، ص ۶۷)

۲- اعمال حقوق قراردادها در امور انضباطی ورزش: مطالعه موردی جرایم دوپینگ

همانطور که قبلاً اشاره شد، قراردادهای زیادی وجود دارد که رژیم‌های قراردادی را با هدف تأثیر بین‌المللی ترکیب می کنند. مهمترین آنها قوانین صدها انجمن یا سازمان ورزشی است که مقررات جهانی ضد دوپینگ را به عنوان هسته اصلی سیاست های ضد دوپینگ خود پذیرفته اند. اما مقررات جهانی ضد دوپینگ در سرتاسر جهان به شیوه ای ثابت اعمال می شود، حتی اگر قواعد ساختاری قراردادی ممکن است از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر متفاوت باشد (به ویژه با توجه به تفاوت هایی که در اصول قراردادی در کشورهای کامن لا بر خلاف قوانین مدنی ایجاد می شود).

برای مقاصد کنونی، شاید مهمترین ماده مقررات جهانی ضد دوپینگ ماده ۲۴.۳ باشد که به شرح زیر است:

این قانون باید به عنوان یک متن مستقل تفسیر شود و نه با استناد به قوانین یا اساسنامه های موجود امضاکنندگان یا دولت ها. همانطور که پل دیوید^{۱۸} در کتاب خود، راهنمای قوانین جهانی ضد دوپینگ، بیان می کند:

«این ماده مهم برای دادگاه‌هایی که باید تفسیر قانون را در نظر بگیرند، تأکید می کند که اصول کلی تفسیر باید به کار گرفته شود، نه اصول تفسیری و حقوقی خاص که از یک نظام حقوقی ملی خاص یا دیگری ناشی می شوند. بر این اساس، تمرکز در تفسیر قانون باید بر روی اصول تفسیری باشد که در همه نظام‌های حقوقی مشترک است، زیرا در صورت اتخاذ این رویکرد، احتمال بیشتری وجود دارد که قانون به شیوه‌ای سازگار تفسیر و اعمال شود.» (David, 2018, p 106)

چنین رویکردی برای تفسیر مقررات جهانی ضد دوپینگ یا قوانین ضد دوپینگ یک سازمان ورزشی که قرار است خارج از محدودیت‌های یک نظام حقوقی خاص عمل کند، سازگار است. همچنین با روشی که دادگاه های کامن لا با تفسیر معاهدات یا کنوانسیون های بین المللی که به نظر نویسنده در موقعیت مشابهی قرار دارند، سازگار است.

رویکرد دادگاه ها به تفسیر معاهدات یا کنوانسیون های بین المللی این است که آنها باید توسط دولت های متعاقد به طور یکسان تفسیر شوند. بلکه باید به گونه ای تفسیر شود که بر یکنواختی تأکید کند و به همدلی برسد و با اصول کلی پذیرش عمومی سازگار باشد.

^{۱۸}. Paul David

تفاوت هایی در اصول تفسیر قراردادها بین حوزه های قضایی کامن لا و قانون مدنی وجود دارد. بنابراین، ممکن است مقررات جهانی ضد دوپینگ یا مفاد قواعد ضد دوپینگ، در صورت وجود قانون حاکم، به گونه ای متفاوت تفسیر شوند. بر خلاف قانون آلمان، مثلاً قانون انگلیس باید مجری بوده و باید به کار تفسیر مطابق با آن قانون پرداخت. این امر نامطلوب و مغایر با هدف مقررات جهانی ضد دوپینگ خواهد بود.

پس اصول کلی پذیرش عمومی در جامعه بین المللی برای تفسیر قواعد ضد دوپینگ برگرفته از مقررات جهانی ضد دوپینگ چیست؟ این اصول به صورت زیر خلاصه شده است:

اصول کلی تفسیر قراردادی ویژگی ثابت اصول حقوقی در اکثر حوزه های قضایی است. به طور کلی، اصول قابل اجرا مستلزم تعیین قصد طرفین توافق به معنای عینی، با ارجاع به معنای عادی طبیعی کلمات به کار رفته در قرارداد است. دادگاه یا داور باید بررسی کند که یک شخص معقول در موقعیت طرفین قرارداد در زمان انعقاد قرارداد را به چه معنا می دانست. این معنا در زمینه کلی قرارداد در نظر گرفته می شود و در صورت شک در معنای کلمات، دادگاه یا داور ممکن است بررسی کند که چگونه تفسیر پیشنهادی با هدف قرارداد مطابقت دارد.

با این حال، شاید دو مشکل بالقوه در مورد این رویکرد بین المللی برای ساخت یک قاعده و تمایل یا اصرار مرتبط برای حفظ ثبات بر مبنای بین المللی وجود داشته باشد. (Coalter & Taylor, ۲۰۱۰, p ۱۱) اولاً، شاید به تصمیم دادگاه برای رسیدگی به یک موضوع وزن و ارزش بی مورد بخشند. ثانیاً، چنین رویکردی فرض می کند که تشخیص آنچه محاکم یا دادگاه های سایر حوزه های قضایی در مورد یک ماده خاص از یک معاهده یا کنوانسیون بین المللی گفته اند، آسان یا نسبتاً آسان است. این ممکن است در مورد کنوانسیون ها یا معاهدات مربوط به کشتیرانی یا موارد مشابه که در آن اختلافات معمولاً یا غالباً در دادگاه ها تصمیم گیری می شود و احکام آن دادگاه ها مرتباً منتشر می شود، یک فرض معتبر باشد، اما این یک فرض در دادگاه کمی مبهم به نظر می رسد. موردی از قوانین که در آن «دادگاه» تفسیر کننده مقررات جهانی ضد دوپینگ، یعنی دادگاه حکمیت ورزش^{۱۹} است، جایی که آرای دادگاه حکمیت ورزش لزوماً عمومی نمی شوند و حتی در صورت علنی شدن نیز دسترسی به آن تا حدودی دشوار است. به ویژه با توجه به ماده ۲۴ مقررات جهانی ضد دوپینگ و اهداف کلی آن، رویکرد بین المللی در تنظیم قرارداد است که باید در رابطه با آیین نامه یا قوانین ضد دوپینگ ناشی از این آیین نامه اعمال شود. تا زمانی که دادگاه حکمیت ورزش تفسیر ثابتی از مقررات جهانی ضد دوپینگ وجود نداشته باشد، این خطر وجود دارد که هدف قوانین بین المللی از اجرای قوانین ضد دوپینگ "به شیوه ای جهانی و هماهنگ" خنثی شود.^{۲۰}

نتیجه گیری

^{۱۹} . Court of Arbitration for Sport

^{۲۰} . CAS ۲۰۰۸/A/۱۵۷۴ paragraphs [۳۳] – [۴۰]

ریسمان طلایی که در تمام جنبه های حقوق ورزش جریان دارد قرارداد است. در هر سطح یا در رابطه با هر جنبه خاصی از یک موضوع یا معامله ای که ممکن است یک وکیل ورزشی درگیر آن شود، دانش کامل قانون قرارداد با ارزش ترین دارایی او خواهد بود. اصول حقوق قراردادی که در زمینه ورزش اعمال می شود اساساً در مورد همه قراردادها یکسان است. اما جنبه‌هایی وجود دارد که قانون قراردادها در رابطه با آن‌ها عمل می‌کند یا باید به شیوه‌ای متفاوت با جنبه‌هایی که در مورد سایر فعالیت‌ها عمل می‌کند، اعمال شود. این شامل:

(الف) دادگاه‌ها تمایل بیشتری برای یافتن شرکت کنندگان در فعالیت های ورزشی دارند

قصد نداشتند وارد روابط حقوقی الزام آور شوند، به ویژه اگر دخالت در یک رابطه آماتور باشد، نسبت به سایرین فعالیت های انسانی؛

(ب) در قراردادهای مربوط به شرکت در ورزش، دادگاه‌ها مایلند که یک قرارداد الزام آور منعقد شده باشد، حتی اگر در غیر این صورت یافتن یک «پیشنهاد»، «قبول» یا «مقابله» مربوطه مشکل باشد.

(ج) اصول پذیرفته شده ساخت قراردادهای مستلزم تعدیل یا انطباق در مورد برخی از قراردادهای ورزشی است، به ویژه قراردادهایی که شامل قراردادهای بین المللی مانند قانون جهانی ضد دوپینگ یا شامل بسیاری از طرفین است. با این حال، به طور کلی، همانطور که در رویه قضایی مربوط به اختلافات انتخابی و تخلفات انضباطی نشان داده شده است، ورزش به تنهایی یک قانون نیست. بلکه شرکت در ورزش با قوانین و اصول قراردادی مشابه هر فعالیت دیگری تنظیم می شود.

لذا نتیجه گرفته می شود که قراردادهای ورزشی در هر دو نظام حقوقی یعنی ایران و کامن لا قراردادهای ورزشی در صورت نبود قرارداد قابل اجرا می توانند تأثیرات خود را محدود به عدم ایفای برخی مسائل قراردادی نمایند. البته میزان تأثیر این مسئله در ایران و کامن لا متفاوت می باشد ولی به هر حال زمانی که قراردادی وجود نداشته باشد یا سببی برای ایفای تعهدات با توجه به اوضاع و احوال وجود نداشته باشد، می توان اذعان نمود که قراردادی برای اجرا وجود ندارد ولی زمانی که حتی یکی از شرایط صحت قرارداد وجود ندارد، در کامن لا می توان آن را محرز نمود ولی در ایران این موضوع امری دشوار می باشد. بعد از آن موضوع مبانی قراردادی در قراردادهای ورزشی مورد پژوهش قرار گرفت که در این مورد سه عنصر تشکیل قرارداد؛ تفسیر قراردادهای ورزشی و پیش نویس قراردادهای ضعیف مورد بررسی قرار گرفتند. در مسئله تفسیر مشخص شد که هم در ایران و هم انگلیس تفسیر قراردادها تأثیر قابل توجهی بر رویدادهای ورزشی نداشته اند چراکه تفسیر قرارداد به صورت عام صورت می پذیرد و صرف این قواعد نتوانسته است آنچنان تأثیری بر ورزش داشته باشد گرچه این مسئله در تفسیر قراردادها یعنی پیشرفت آنها در انعقاد و تنظیم غیرقابل چشم پوشی می باشد. در مورد تشکیل قراردادها نیز می توان اذعان نمود که در تشکیل قراردادها و نحوه انعقاد آن‌ها در ایران نظارت و نوعی دخالت دولتی وجود دارد ولی در کامن لا این مسئله به صورت کاملاً خصوصی یعنی بر اساس حاکمیت اراده صورت می پذیرد. در پیش نویس های قراردادی نیز مشخص شد که چنانچه از

متخصصات حقوقی در سه مرحله مذاکره، انعقاد و اجرای قرارداد به کارگیری نشود، پیش نویس ضعیف قرارداد می تواند ورزش مربوطه را نیز به سوی شغف و فترت ببرد.

منابع و مأخذ

- ۱- پدفیلد، کالین (۱۳۷۹)، حقوق انگلیس به زبان ساده، ترجمه احسان الله پیرداده بیرانوند، تهران: انتشارات آدنا.
- ۲- خلیلی، حلیمه (۱۳۹۲)، تحلیل تطبیقی تعارض قوانین در قراردادهای ورزشی تجاری در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.
- ۳- رحیمی، حبیب الله و نصیری، هدیه (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی اعمال تئوری پذیرش خطر در مسئولیت مدنی ورزشکاران در حقوق انگلیس، فرانسه و ایران، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱.
- ۴- امامی، سید حسن (۱۳۹۹)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و نهم، انتشارات اسلامیة
- ۵- آقای نی، حسین (۱۳۸۶)، حقوق ورزشی (قوانین و مقررات)، تهران: نشر میزان.
- ۶- براتی، رویا سادات (۱۳۹۸)، بررسی قواعد و اصول تفسیر قرارداد و آثار آن، مجله وکیل مدافع، شماره ۱۸.
- ۷- علوم یزدی، محمدرضا و بابازاده، بابک (۱۳۸۹)، شیوه های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلیس، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان.
- ۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، قواعد عمومی قراردادها، ۵ جلد، جلد اول، چاپ هفتم، شرکت سهامی انتشار.
- ۹- موسوی، سید فضل الله، موسوی، سید مهدی، وکیلی مقدم، محمدحسین، غلامی، مهدی (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره یک، پاییز.
- ۱۰- حسینی، احمد (۱۳۸۷)، ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای میان ورزشکار و باشگاه ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.
- ۱۱- پالگانه، اسماعیل (۱۳۹۷)، مبانی حقوقی حاکم بر قراردادهای ورزشی و موانع و مشکلات موجود در این زمینه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۲- Mark, James (۲۰۰۶), "Liability for professional athletes injuries: a comparative analysis of where the risk lies", Web journal of current legal issues, WWW.usir.salford.ac.uk/۱۰۵۸/۱/james۱.pdf, ۱۶/۴/۲۰۱۸
- ۱۳- David, Paul (۲۰۰۸), A Guide to the World Anti-Doping Code, Cambridge.
- ۱۴- Fortunato, John A. (۲۰۱۳), Sports Sponsorship: Principles and Practices, McFarland, USA.

- ۱۵- Cheshire & Fifoot's (۲۰۰۸), Law of Contract, Butterworths 9th Australian Edition.
- ۱۶- Hall, Stacey A. et al, (۲۰۱۰), Sport Facility Operations Management, Routledge, UK.
- ۱۷- Healey, Deborah, (۲۰۱۰), Sport and the Law, ReadHowYouWant. com, Australia.
- ۱۸- Shepherd v South Australian Amateur Football League Inc (۱۹۸۷) ۴۴ SASR ۵۷۹ at ۵۸۲ ;
Jackson v Western Australian Basketball Federation Inc (۱۹۹۰) ۲۱ ALD ۲۸۳ at ۲۸۵
- ۱۹- Kolah, Ardi (۲۰۱۵), Improving the Performance of Sponsorship, Routledge, UK.
- ۲۰- McClelland v Burning Palms Surf Life Saving Club [۲۰۰۲] ۱۹۱ ALR ۷۵۹
- ۲۱- Dixon v Esperance Bay Turf Club (Inc) [۲۰۰۲] WASC ۱۱۰ at [۱۱۳]
- ۲۲- Australian Football League v Carlton Football Club Ltd [۱۹۹۸] ۲ VR ۵۴۶
- ۲۳- Sullivan, Alan (۲۰۱۰), THE ROLE OF CONTRACT IN SPORTS LAW, Australian and New Zealand Sports Law Journal, ۵ (۱).
- ۲۴- Lucien, William Valloni, Pachmann, Thilo (۲۰۱۱), "Sports Law in Switzerland", Kluwer Law International, Netherlands.
- ۲۵- Patrick k & Thornton, JD, (۲۰۱۱), Sports Law, Jones and Bartlett Publishers, Canada.
- ۲۶- Pacific Carriers Limited v. BNP Paribus (۲۰۰۴) ۲۱۸ CLR ۴۵۱ at ۴۶۱ – ۴۶۲ [۲۰] – [۲۲];
International Air Transport Association v. Ansett Australia Holdings Limited (۲۰۰۸) ۲۳۴ CLR ۱۵۱ □□ ۱۷۴.
- ۲۷- McDonnell, Malcolm Moir, (۲۰۱۳), Event Sponsorship, Routledge, UK
- ۲۸- Greenwell, Christopher et al, (۲۰۱۴), Managing Sport Events, Human Kinetics, USA.
- ۲۹- Piipponen.H,(۲۰۱۱) Enhancing Customer Relations in Team Sport Business, Department of Marketing Aalto University School of Economics.
- ۳۰- Smith. C. T , Stewart. B (۲۰۱۰) The special features of sport: A critical revisit, Sport Management. Review, ۱۳
- ۳۱- Budzinski.O, Stazer.J,(۲۰۱۱) SportsBusiness and Multisided Market: Towards s New Analytical Framework?(Lang Version), Department of Environmental and Business Economics University of Southern Denmark.
- ۳۲- Dietl. H. M, Frank. E, Hasan. T, Lang. M (۲۰۰۹), Governance of Professional sports leagues- Cooperatives versus contracts, International Review of Law and Economics, ۲۹.
- ۳۳- Kolah, Ardi (۲۰۱۵), Improving the Performance of Sponsorship, Routledge, UK.
- ۳۴- David, Paul (۲۰۱۸), A Guide to the World Anti-Doping Code, Third Edition, Cambridge Publication.
- ۳۵- Coalter. P .F, Taylor.J (۲۰۱۰), Sport-for-development impact study , University of Stirling
- ۳۶- CAS ۲۰۰۸/A/۱۵۷۴ paragraphs